

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۶۷۷۳

## عربی. زبان قرآن (۳)

رشته ادبیات و علوم انسانی

پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه

کد ۱۱۲۲۰۷

کاری از:

منصوره خوشخو

سال تحصیلی ۱۴۰۳ - ۱۴۰۲



## الَّذِي الْخَامِسُ بَرَكِد

منادای مضاف + رب + ي  
مفعول ۱  
مفعول ۲  
رب: منادای مضاف  
رب + نا  
دعاء: مفعول  
اصل آن: دعاء + ي  
﴿رَبِّ اجْعَلْنِي﴾ مقيم الصلاة و من ذريتي ربنا و تقبل دعاء<sup>۴۰</sup> ابراهيم: ۴۰

پروردگارا، مرا و فرزندانم را برپادارنده نماز قرار بده؛ پروردگارا دعایم را بپذیر.

## يا إلهي

إله: منادای مضاف  
إله: منادای مضاف  
منادای مضاف  
يا إلهي ، يا إلهي  
اجعل اليوم سعیداً  
يا مُجيب الدعوات  
و کثیر البرکات  
مفعول ۱  
مفعول ۲

ای خدای من، ای خدای من، ای برآورنده دعاها؛  
امروز را خوش اقبال و پر برکت قرار بده.

مفعول  
مفعول  
و املاً الصّدْرَ انشراحاً  
و أعنّي في دروسِي  
و فَمَي بالبَسَمَاتِ  
و أداء الواجباتِ  
مفعول  
مفعول

و سینه را از شادمانی و دهانم را از لبخندها پر کن.  
و مرا در درس‌هایم و انجام تکالیف یاری کن.

مفعول  
مفعول  
و أنیر عَقْلِي وَ قَلْبِي  
و اجعل التّوفيقَ حَظِي  
بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ  
و نصيبي في الحیاةِ  
مفعول  
مفعول

و خردم و دلم را با دانش‌های سودمند روشن کن.  
و موفقیت را بخت و بهره من در زندگی قرار بده.

مفعول  
مفعول  
و املاً الدّنيا سَلاماً  
و احميني وَ احمِ بِلادِي  
شاملاً کُلَّ الجِهاتِ  
مِن شُرورِ الحادِثاتِ  
مفعول  
مفعول

و دنیا را از صلی فراگیر، در همه جهت‌ها پر کن.  
و من و کشورم را از پیشامدهای بد نگهداری کن.



### برگرد الْمُعْجَم

المُجِيب : پاسخ دهنده	أَنْزَرُ : روشن کن (أَنْزَرَ ، يُنِيزُ) الْإِنْشِرَاحُ : شادمانی، فراخی الْبَسْمَاتُ : لبخندها «مفرد: الْبَسْمَةُ» الْحَظُّ : بخت	إِحْمِي : از من نگهداری کن (حَمَى - ، يَحْمِي / إِحْم + نون وقایه + ي) أَعْنِي : مرا یاری کن (أَعَانَ ، يُعِينُ / أَعِنُ + نون وقایه + ي)
-----------------------	--	--

### حول النص برگرد

- كَلِمَاتٍ صَحِيحَةٍ وَ خَطَا فِي مَا أَرَادَهُ الشَّاعِرُ.
- ۱- النَّجَاحُ فِي امْتِحَانَاتِ آخِرِ السَّنَةِ. (موفقیت در امتحانات پایان سال) x ✓
- ۲- السَّعَادَةُ وَ كَثْرَةُ الْبَرَكَاتِ. (خوشبختی و پر برکتی) ✓
- ۳- شَرَاءُ بَيْتٍ جَدِيدٍ وَ كَيْبِرٍ. (خرید خانه نو و بزرگی) x
- ۴- إِنَارَةُ الْقَلْبِ وَ الْعَقْلِ. (روشن کردن دل و خرد) ✓
- ۵- الْإِعَانَةُ فِي الدَّرُوسِ. (یاری کردن در درسها) ✓
- ۶- إِشْرَاحُ الصَّدْرِ. (گشادگی سینه) ✓
- ۷- شِفَاءُ الْمَرَضَى. (بهبودی بیماران) x
- ۸- كَثْرَةُ الْأَمْوَالِ. (زیادی ثروت) x
- ۹- طَوْلُ الْعُمْرِ. (مدت عمر) x

### برگرد إِعْلَمُوا

#### أُسْلُوبُ النَّدَاءِ

- به دو جمله فارسی زیر دقت کنید.  
سعدیا مرد نکونام نمرد هرگز.  
ای ساربان آهسته ران، آرام جانم می رود.  
سعدی و ساربان در دو جمله بالا «منادا» نامیده می شوند. منادا در لغت یعنی «صدا زده شده».
- اکنون به جملات عربی زیر دقت کنید.

یا طَالِبُ، تَعَالِ.	یا اللَّهُ، إِرْحَمْنَا.	یا سَيِّدَ السَّادَاتِ،	} منادا
یا تَلْمِيذَهُ، تَعَالَى.	یا زَهْرَاءُ، اجْتَهِدِي.	یا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ.	

منادای مضاف (منادا ی مضاف)    منادای مفرد (علم)    منادای مفرد (نکره)

- حرف ندا در جملات بالا کدام است؟ مهم ترین حرف ندا در زبان عربی «یا» است.
- کلمات قرمز رنگ در جملات بالا «منادا» نامیده می شوند.

گاهی حرف ندا حذف می شود و این را از مفهوم و قرائن عبارت یا متن می توان فهمید ؛  
مانند «رَبَّنَا» در این آیه که در اصل «یا رَبَّنَا» بوده است:

﴿... رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً...﴾ البقرة: ۲۰۱

به دو جمله زیر توجه کنید.

گروه منادایی } یا أَيُّهَا الْوَالِدُ الْمُوَدَّبُونَ، حَافِظُوا عَلَى نِظَافَةِ الطَّبِيعَةِ.  
یا أَيُّهَا الْبَنَاتُ الْمُوَدَّبَاتُ، حَافِظْنَ عَلَى نِظَافَةِ الطَّبِيعَةِ.

چرا در جمله نخست بعد از حرف ندای «یا» کلمه «أَيُّهَا» و در جمله دوم «أَيُّهَا» به کار رفته است؟  
أَيُّهَا برای مذکر و أَيُّهَا برای مؤنث است.

در «أَيُّهَا الْوَالِدُ» و «أَيُّهَا الْبَنَاتُ»، «یا» حرف ندا و «أَيُّهَا الْوَالِدُ» و «أَيُّهَا الْبَنَاتُ» گروه منادایی هستند.  
در این حالت «أَيُّهَا» و «أَيُّهَا» ترجمه نمی شوند.

حرف ندای «یا» بر سر اسم بدون آل می آید؛ مثال: یا وَالدُّ، یا بِنْتُ

اما اگر منادی «ال» داشته باشد، با «أَيُّهَا» و «أَيُّهَا» به کار می رود؛ مثال:  
أَيُّهَا الْوَالِدُ، أَيُّهَا الْبِنْتُ (یا أَيُّهَا الْوَالِدُ، یا أَيُّهَا الْبِنْتُ)

یا الْوَالِدُ	یا الْبِنْتُ ✗
یا أَيُّهَا الْوَالِدُ	یا أَيُّهَا الْبِنْتُ ✓

لفظ جلاله «الله» به دو صورت منادا واقع می شود؛ (یا اللَّهُ) و (یا إِلَهُهُمَّ) و هیچ فرقی با هم ندارند.

گاهی در منادا ضمیر «ی» حذف می شود ؛ مانند: یا رَبِّ (رَبِّ) = یا رَبِّي یا قَوْمٍ = یا قَوْمِي

<sup>۴۶</sup> در صورت حذف حرف ندا ، برای تشخیص منادا از مبتدا باید یک سری نکات را بدانید. ← رجوع کنید به صفحه ۶۳

<sup>۴۷</sup> گاهی در منادا ضمیر «ی» حذف می شود؛ در این زمینه شاهد مثال قرآنی و دعایی بسیار است:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا...﴾ البقرة: ۱۲۶

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى...﴾ البقرة: ۲۶۰

﴿إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا...﴾ آل عمران: ۳۵

﴿فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى...﴾ آل عمران: ۳۶

﴿...قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَةً طَيِّبَةً...﴾ آل عمران: ۳۸

﴿قَالَ رَبِّ أَلِي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرَ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ...﴾ آل عمران: ۴۰

﴿قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آتَةً...﴾ آل عمران: ۴۱

﴿قَالَتْ رَبِّ أَلِي يَكُونُ لِي وَالدُّ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ...﴾ آل عمران: ۴۷

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي﴾ المائدة: ۲۵

﴿قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ﴾ الأعراف: ۱۴۳

﴿قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ﴾ الأعراف: ۱۵۱

﴿قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلِ وَإِيَّاي﴾ الأعراف: ۱۵۵

﴿وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي...﴾ هود: ۴۵

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ...﴾ هود: ۴۷

﴿قَالَ رَبِّ السُّجُنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ...﴾ يوسف: ۳۳

﴿رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ...﴾ يوسف: ۱۰۱

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا...﴾ ابراهيم: ۳۵

﴿رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِنْ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي...﴾ ابراهيم: ۳۶

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِي﴾ ابراهيم: ۴۰

﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ الحجر: ۳۶

﴿قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾ الحجر: ۳۹

﴿...وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمْ كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا...﴾ الإسراء: ۲۴

﴿وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ﴾ الإسراء: ۸۰



### که اِخْتَبَرْتَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْجَمَلَ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ الْمُنَادِي.

موصول (آنچه) در نقش مفعول موصول (آنچه) در نقش مفعول

۱- ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ۚ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ﴾ الكافرون: ۱ ای ۲

بگو ای کافران \* آنچه می پرستید نمی پرستم \* و آنچه می پرستم شما نمی پرستید. ترجمه فولادوند (گروه منادایی: أَيُّهَا الْكَافِرُونَ)

۲- ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾ ابراهیم: ۴۰

پروردگارا، مرا برپادارنده نماز قرار ده، و از فرزندان من نیز. پروردگارا، و دعای مرا بپذیر. ترجمه فولادوند (منادا: رَبِّ)

۳- ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ رَبِّكَ الْكَرِيمِ﴾ الأنفطار: ۶

ای انسان چه چیز تو را درباره پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته ترجمه فولادوند (فرب داد). (گروه منادایی: أَيُّهَا الْإِنْسَانُ)

۴- ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ...﴾ آل عمران: ۱۹۳

پروردگارا، ما شنیدیم که دعوتگری، به ایمان فرا می خواند. ترجمه فولادوند. (منادا: رَبِّ)

۵- ﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ...﴾ ص: ۲۶

ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم؛ ترجمه فولادوند (منادا: دَاوُدُ)

۶- اَللّٰهُمَّ، اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يَا اَللّٰهُ، يَا رَحْمٰنُ ... يَا خَيْرَ الْغَافِرِيْنَ ... يَا سَاطِرَ كُلِّ مَعْيُوْبٍ ...، يَا غَفَّارَ الذُّنُوْبِ ...، يَا مَنْ

سَتَرَ الْقَبِيْحَ ...، يَا اَحْسَنَ الْخَالِقِيْنَ. مِنْ دُعَايِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيْرِ

خدایا از تو می خواهم به حق نامت ای خدا، ای بخشاینده... ای بهترین آمرزندگان... ای عیب پوش هر معیوب... ای بسیار

آمرزنده گناهان... ای که کار زشت را پنهان کنی... ای بهترین آفرینندگان (منادا: اَللّٰهُ، رَحْمٰنُ، خَيْرَ، سَاطِرَ، غَفَّارَ، مَنْ، اَحْسَنَ)

۳- غُرُّ ۲: فرب داد

۲- دُعَاء: دعایم (دُعَاء + ي)

۱- الذَّرِيَّة: فرزندان، دودمان

### التمارين برگرد

● التَّمْرِيْنُ الْأَوَّلُ: اَكْتُبْ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيْحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ مَعْجَمِ الدَّرْسِ.

۱- الَّذِي يَتَقَبَّلُ الدُّعَاءَ وَ هُوَ مِنْ اَسْمَاءِ (الله) الْحُسْنَى. موصوف، مضاف مضاف اليه صفت

کسی که دعا را می پذیرد، و آن از نامهای نیکوی (نیکوتر) خداست. (پاسخ دهنده، برآورنده)

۲- اَلشُّعُوْرُ بِالْفَرَحِ وَ السُّرُوْرِ كَثِيْرًا. اَلْاِنْشِرَاحُ

احساس شادی و خوشحالی بسیار. (شادمانی)

۳- صَحَّكَ خَفِيْفًا بِلا صَوْتٍ. اَلْبَسْمَةُ

خنده آرام بدون صدا. (لبخند)

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا...﴾ مريم: ۴

﴿قَالَ رَبِّ أَيُّ بُكُوْنٍ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي غَافِرًا...﴾ مريم: ۸

﴿قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً...﴾ مريم: ۱۰

﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾ طه: ۲۵

.....أَبَارَ.....

۴- جَعَلَ فِيهِ نُورًا.  
در آن روشنایی نهاد. (روشن کرد)

.....أَعَانَ.....

۵- سَاعَدَ، وَ نَصَرَ.  
کمک و یاری کرد. (یاری کردن)

● التَّامِرِينَ الثَّانِي: اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِي، وَ عَيِّنْ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْحَمْرَاءِ، ثُمَّ اِحْبِبْ عَنِ الْأَسْتَفْحَالَةِ. برگرد

الْكِتَابِ الْوَاحِدِ وَ الثَّلَاثُونَ مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ

مِنْ وَصِيَّةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبْنِهِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

يَا بُنَيَّ، اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا<sup>۱</sup> فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ؛ فَأَحِبِّ<sup>۲</sup> لِيغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ؛ وَ اَكْرَهُ<sup>۳</sup> لَهُ مَا تَكْرَهُ  
لَهَا؛ وَ لَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ؛

نامه سی و یکم نهج البلاغه،

از سفارش امام علی علیه السلام به پسرش امام حسن علیه السلام

پسرِ دلبندم، خودت را میان خویشتن و دیگری [همچو] توازویی قرار بده؛ پس آنچه را  
برای خودت دوست می‌داری برای غیر خودت [نیز] دوست بدار؛ و برایش ناپسند بدار آنچه  
را برای خودت ناپسند می‌داری؛ و ستم مکن، چنانکه دوست نداری به تو ستم شود؛

وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ؛ وَ اسْتَفْبِحْ<sup>۴</sup> مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَفْبِحُهُ<sup>۳</sup> مِنْ غَيْرِكَ؛ ... وَ لَا  
تَقُلْ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ.

و نیکی کن، چنانکه دوست می‌داری به تو نیکی شود؛ و آنچه را برای غیر خودت زشت می‌داری برای  
خودت [هم] زشت بدار؛ ... و چیزی را که دوست نداری برای تو گفته شود [در حق دیگران] مگو.

- |  |  |
|--|--|
| ۱- ما هُوَ الْمَحَلُّ الْإِعْرَابِيُّ لِـ «نَفْسٍ» فِي «نَفْسِكَ» وَ «نَفْسِكَ»؟ | ۱. مفعول                               |
| ۲- ما هُوَ نَوْعُ فِعْلٍ «تَكْرَهُ» وَ صِيغَتُهُ؟                                | ۲. مجرور بحرف الجر                     |
| ۳- أ كَلِمَةٌ «مِيزَانًا» مَعْرِفَةٌ أَمْ نَكِرَةٌ؟                              | نوع فعل: مضارع؛ صيغته: مفرد مذکر مخاطب |
| ۴- أ لَازِمٌ فِعْلٌ «لَا تَقُلْ» أَمْ مُتَعَدٌّ؟                                 | نكرة                                   |
| ۵- مِنْ أَيِّ بَابٍ فِعْلٌ «أَحْسِنْ»؟   | متعد                                   |
| ۶- اذْكُرْ فِعْلَيْنِ لِلْأَمْرِ:  | باب أفعال                              |
- فعل امر: اجْعَلْ؛ أَحِبِّ؛ اَكْرَهُ؛ أَحْسِنْ؛ اسْتَفْبِحْ

۱- الْمِيزَانُ: آلَةُ يُعْرَفُ بِهَا وَزْنُ شَيْءٍ ۲- أَحِبِّ: فِعْلٌ الْأَمْرُ مِنْ تُحِبُّ ۳- اسْتَفْبِحْ: وَجَدَ قَبِيحًا ۴- يُقَالُ: كَفْتُهُ مِ شُودَ (فِعْلٌ مَجْهُول)

## ● التمرین الثالث: للترجمة. برگرد

- ۱- هوَ قَدْ رَجَعَ: او برگشته است  
 ۲- هوَ قَدْ يَرْجِعُ: او گاهی بر می‌گردد یا شاید برگردد  
 ۳- هوَ لَا يَرْجِعُ: او بر نمی‌گردد  
 ۴- هوَ كَانَ قَدْ رَجَعَ: او برگشته بود  
 ۵- هوَ يُرِيدُ أَنْ يَرْجِعَ: او می‌خواهد که برگردد  
 ۶- رَجَاءٌ، إِرْجَعُ: لطفاً! برگرد  
 ۷- مِنْ قَضَلِكْ؛ لَا تَرْجِعْ: لطفاً! برنگرد  
 ۸- هوَ سَيَرْجِعُ: او برخواهد گشت  
 ۹- هوَ سَوْفَ يَرْجِعُ: او برخواهد گشت  
 ۱۰- هوَ لَنْ يَرْجِعَ: او بر نخواهد گشت  
 ۱۱- هوَ لَمْ يَرْجِعْ: او برنگشت  
 ۱۲- هوَ مَا رَجَعَ: او برنگشت  
 ۱۳- إِنْ تَرْجِعْ أَرْجِعْ: اگر برگردی، برمی‌گردم  
 ۱۴- هوَ كَانَ يَرْجِعُ: او بر می‌گشت

● التمرین الرابع: عین الصحیح فی «التحلیل الصرفی» و «الإعراب» لما أشر إلى به بخط. برگرد  
 {الرَّجُلُ الْعَلَامَةُ تَحَدَّثُ مَعَ جَمِيعِ الطُّلَابِ فِي الْمَدْرَسَةِ.}  
 {تَذْهَبُ الْمُعَلِّمَةُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ.}

۱- الرَّجُلُ	أ. اسْمٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مُعْرَفٌ بِأَلْ	مُبْتَدَأٌ وَ مَرْفُوعٌ <input checked="" type="checkbox"/>
	ب. مَصْدَرٌ، مُذَكَّرٌ، مُعْرَفَةٌ، مَبْنِيٌّ	فَاعِلٌ وَ مَرْفُوعٌ
۲- الْعَلَامَةُ	أ. اسْمٌ فَاعِلٌ، مُؤنَّثٌ، مُعْرَفٌ بِالْعَلَمِيَّةِ، مُعْرَبٌ	مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ
	ب. اسْمٌ مُبَالَغَةٌ، مُفْرَدٌ، مُعْرَفٌ بِأَلْ، مُعْرَبٌ	صِفَةٌ وَ مَرْفُوعَةٌ بِالتَّبَعِيَّةِ لِمَوْصُوفِهَا <input checked="" type="checkbox"/>
۳- تَحَدَّثَ	أ. فِعْلٌ مُضَارِعٌ، مُفْرَدٌ مُؤنَّثٌ غَائِبٌ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ مِنْ بَابِ تَفْعِيلٍ، مُتَعَدٍّ، مُعْرَبٌ	مَفْعُولٌ وَ مَنْصُوبٌ
	ب. فِعْلٌ مَاضٍ، مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ غَائِبٌ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ مِنْ بَابِ تَفْعَلٍ، مَعْلُومٌ، لَازِمٌ <input checked="" type="checkbox"/>	خَبَرٌ <input checked="" type="checkbox"/>
۴- الطُّلَابُ	أ. اسْمٌ مَفْعُولٌ، مُعْرَفٌ بِأَلْ، جَمْعٌ مُذَكَّرٌ سَالِمٌ، مَبْنِيٌّ	مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ
	ب. اسْمٌ فَاعِلٌ، جَمْعٌ تَكْسِيرٌ وَ مُفْرَدَةٌ «الطَّالِبُ»، مُعْرَبٌ	مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ <input checked="" type="checkbox"/>
۵- الْمَدْرَسَةُ	أ. اسْمٌ مَكَانٍ، مُفْرَدٌ، مُؤنَّثٌ، مُعْرَفَةٌ، مُعْرَبٌ	مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ (فِي الْمَدْرَسَةِ: جَارٌ وَ مَجْرُورٌ) <input checked="" type="checkbox"/>
	ب. اسْمٌ تَفْضِيلٌ، مُفْرَدٌ، مُعْرَفٌ بِأَلْ، مَبْنِيٌّ	صِفَةٌ وَ مَرْفُوعَةٌ بِالتَّبَعِيَّةِ لِمَوْصُوفِهَا
۶- تَذْهَبُ	أ. فِعْلٌ مُضَارِعٌ، مُفْرَدٌ مُؤنَّثٌ غَائِبٌ، ثَلَاثِيٌّ مَجْرَدٌ، مَعْلُومٌ، مُعْرَبٌ، لَازِمٌ <input checked="" type="checkbox"/>	
	ب. فِعْلٌ مَجْهُولٌ، مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ مُخَاطَبٌ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ مِنْ بَابِ تَفَاعَلٍ، مَبْنِيٌّ	
۷- الْمُعَلِّمَةُ	أ. اسْمٌ مَفْعُولٌ، مُعْرَفٌ بِالْعَلَمِيَّةِ، مَبْنِيٌّ	مَفْعُولٌ وَ مَنْصُوبٌ وَ الْجُمْلَةُ اسْمِيَّةٌ.
	ب. اسْمٌ فَاعِلٌ، مُفْرَدٌ، مُؤنَّثٌ، مُعْرَفٌ بِأَلْ، مُعْرَبٌ	فَاعِلٌ وَ مَرْفُوعٌ وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ <input checked="" type="checkbox"/> .
۸- الْمَكْتَبَةُ	أ. اسْمٌ مَكَانٍ، مُفْرَدٌ، مُؤنَّثٌ، مُعْرَفٌ بِأَلْ	مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ (إِلَى الْمَكْتَبَةِ: جَارٌ وَ مَجْرُورٌ) <input checked="" type="checkbox"/>
	ب. اسْمٌ تَفْضِيلٌ، مُفْرَدٌ، مُعْرَفَةٌ، مُعْرَبٌ	مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ

۸ العلامه : نای فعالة نشانه مبالغه است و برای مذکر و مؤنث شکل یکسان دارد: الرَّجُلُ الْعَلَامَةُ  
 ۹ ذکر اعراب خبر، وقتی به صورت فعل است، از اهداف کتاب نیست.



● التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْرَدِ مَعَ جَمْعِهِ. برگرد

- ۱- أَعْجُوبَةٌ (أَعْجَابٌ: شگفتی‌ها)، عَجَائِبُ (عجیبه: معجزه) ۱۳- لِبَاسٌ، أَلْبَسَتْ (لباس‌ها، جامه‌ها)  
 ۲- عَاصِمَةٌ، عَوَاصِمُ (پایتخت)  
 ۱۴- عَظْمٌ، عِظَامٌ (استخوان‌ها)  
 ۳- شَجَرَةٌ، شَجَرَاتٌ (درخت)  
 ۱۵- طَرِيقٌ، طُرُقٌ (راه‌ها)  
 ۴- ظَاهِرَةٌ (ظَاهِرَاتٌ، ظَوَاهِرُ: پدیده‌ها)، مَظَاهِرٌ (مَظْهَرٌ: چشم‌انداز) ۱۶- قَنَاةٌ، قَنَوَاتٌ (کانال‌ها)  
 ۵- فَرِيْسَةٌ، فَرَايِسُ (طعمه، شکار)  
 ۱۷- دُعَاءٌ، أَدْعِيَةٌ (دعاها)  
 ۶- صَفْحَةٌ (صَفَحَاتٌ: صفحه‌ها)، صُحُفٌ (صَحِيفَةٌ: روزنامه)  
 ۱۸- قَدَمٌ، أَقْدَامٌ (پاها)  
 ۷- بَرْنَامِجٌ، بَرَامِجٌ (برنامه)  
 ۱۹- شَهْرٌ، شُهُورٌ (ماه‌ها)  
 ۸- حَفْلَةٌ (حَفَلَاتٌ: جشن‌ها)، مَحَافِلٌ (مَحْفَلٌ: مجلس، گردهم‌آیی) ۲۰- أَكْبَرٌ (أَكْبَرٌ: بزرگان)، كِبَارٌ (كَبِيرٌ: بزرگ)  
 ۹- خَبِيرٌ، خُبْرَاءٌ (کارشناس)  
 ۲۱- فَمٌ، أَفْوَاهٌ (دهان‌ها)  
 ۱۰- عَجُوزٌ، عَجَائِزٌ (زن سالمند، پیرزن یا پیرمرد)  
 ۲۲- طَعَامٌ (أَطْعَمَةٌ: غذاها)، مَطَاعِمٌ (مَطْعَمٌ: رستوران)  
 ۱۱- تَمَثَّلٌ (تَمَثَّلٌ، تَمَثَّلٌ: پیکره‌ها)، أَمْثَالٌ (مَثَلٌ: ضرب‌المثل) ۲۳- عِلْمٌ (عِلْمٌ: دانش‌ها)، أَعْمَالٌ (عَمَلٌ: کار)  
 ۱۲- مِيزَانٌ (مَوَازِينُ: ترازو، عدل)، أَوْزَانٌ (وزن)  
 ۲۴- حَيٌّ (أَحْيَاءٌ: زندگان)، حَيَاتٌ (حَيَّةٌ: مار)

● التَّمْرِينُ السَّادِسُ: عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ. برگرد

- ۱- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ...﴾<sup>۲۱</sup> التَّبْقَةُ  
 ای مردم، پروردگارتان را که شما را آفریده است، پرستش کنید... فولادوند  
 أَيُّهَا النَّاسُ: گروه منادایی / رَبَّ: مفعولٌ به  
 مای استفهام **م** **ر** **ن** **أ** **ن** + لای نفی مضارع  
 ۲- ﴿... يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ﴾<sup>۳۲</sup> الْحُجُورُ  
 «ای ابلیس، تو را چه شده است که با سجده‌کنندگان نیستی؟» فولادوند  
 إبلیس: منادا

- ۳- ﴿يَا عِبَادِي الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ...﴾<sup>۵</sup> الْعَنْكَبُوتُ  
 ای بندگان من که ایمان آورده‌اید، زمین من فراخ است؛ ..  
 عباد: منادای مضاف / وَاسِعَةٌ: خبرٌ إنَّ

- ۴- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ، سَيِّدُ الْكَلَامِ الْقُرْآنِ.  
 پیامبر ﷺ فرمود: ای علی! بزرگ و سرور (برترین) سخن، قرآن است.  
 رَسُولٌ: فاعل / عَلِيُّ: منادای مفرد علم / سَيِّدٌ: مبتدا / الْكَلَامِ: مضاف الیه / الْقُرْآنِ: خبر

°° فعل غایب در ساختار ندایی به شکل مخاطب ترجمه می‌شود. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا: ای کسانی که ایمان آورده‌اید



۵- یا مَنِ بَدِنِيَاهُ اشْتَعَلَ قَدْ غَرَّهُ طَوْلُ الْأَمَلِ  
 الْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً وَ الْقَبْرُ صُنْدُوقُ الْعَمَلِ (مَنْسُوبٌ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ)  
 ای کسی که مشغول دنیایی و آرزوهای دراز تو را فریفته،  
 [بدان] مرگ ناگهان فرا می رسد و قبر صندوق (نگهدارنده) عمل است.  
 مَنْ: منادای مفرد/ طَوْلُ: فاعل / الْمَوْتُ: مبتدا / صُنْدُوقُ: خبر

۶- اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ يَا نَبِيَّ الرَّحْمَةِ.  
 درود بر تو ای رسول خدا؛ ای پیامبر رحمت.  
 اَلْسَّلَامُ: مبتدا / رَسُولُ: منادای مضاف / نَبِيَّ: منادای مضاف / الرَّحْمَةِ: مضاف الیه

### ● التَّمْرِينُ السَّابِعُ: لِلتَّرْجَمَةِ. بَرْگَرْد

۱- يَسْمَعُ: اجازه می دهد	لِيَسْمَعَ: باید اجازه دهد	لَنْ يَسْمَعَ: اجازه نخواهد داد
۲- تَكْتُمُ: پنهان می کنی	أَكْتُمُ: پنهان کن	لَا تَكْتُمُ: پنهان نکن
۳- يُقَلِّدُ: تقلید می کند	اَلْمُقَلِّدُ: تقلید کننده	اَلْمُقَلِّدُ: تقلید شده
۴- رَفَعَ: برداشت	مَا رَفَعَ: برداشت	قَدْ رَفَعَ: برداشته است
۵- سَاعَدَ: کمک کرد	يُسَاعِدُ: کمک می کند	سَاعِدُ: کمک کن
۶- يَصْنَعُ: می سازد	لَا يَصْنَعُ: نمی سازد	لَمْ يَصْنَعُ: نساخت
۷- دَرَسَ: درس داد	يُدْرَسُ: درس می دهد	اَلتَّدْرِيسُ: درس دادن
۸- كَتَبَ: نوشت	اَلْكَاتِبُ: نویسنده	اَلْمَكْتُوبُ: نوشته شده
۹- عَلِمَ: دانست	اَلْأَعْلَمُ: داناتر	اَلْعَلَامَةُ: بسیار دانا
۱۰- صَبَرَ: صبر کرد	اَلصَّابِرُ: صبر کننده	اَلصَّبَارُ: بسیار صبر کننده
۱۱- عَبَدَ: عبادت کرد	اَلْمَعْبُدُ: معبدها	اَلْمَعْبُودُ: عبادت شده
۱۲- اَلْأَصْغَرُ: کوچک تر	اَلصُّغْرَى: کوچک تر	اَلْأَصَاغِرُ: کوچک ترها

أَيُّهَا الْأَحِبَاءُ،  
 نَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهَ،  
 وَ نَرْجُو لَكُمْ حَيَاةً مَلِيئَةً بِالنَّجَاحِ  
 مَعَ السَّلَامَةِ،  
 فِي أَمَانِ اللَّهِ.

هدیه کنید فاتحه‌ای برای شادی روح همه پدران آسمانی  
 به خصوص پدرم: مهدی خوشخو

° اَلْأَمَلُ: آرزو «جمع: الْأَمَالُ»

آرزوهای طولانی او را فریب داده و گویی از یاد برده که مرگی هم وجود دارد. در کمین انسان است، آرزوهای طولانی باعث شود که فراموشی به او دست بدهد، این فریب است. «الْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً»، مرگ یک مرتبه می آید؛ یک مرتبه می بینی عالم عوض شد. «وَ الْقَبْرُ صُنْدُوقُ الْعَمَلِ»، وارد عالم قبر می شود، وارد عالم برزخ می شود که آنجا صندوق اعمال انسان است، آنجا انسان با اعمال سر می کند و زندگی می کند.

## بیشتر بدانیم

درس منادا مربوط است به مخاطب؛ نه غایب.

اگر بعد از اسمی که ابتدای جمله آمده، جمله به گونه‌ای باشد که گویی ما با آن اسم در حال گفتگو هستیم، پس آن اسم مناداست یا بعد از اسم، فعل امر و نهی مخاطب، ضمیر مخاطبی که به آن اسم برگردد، «فعل متکلم، مجهول، وجود إن یا کلمه پرسش، لیت، لای نفی جنس بعد از اسم» نشان می‌دهد که آن اسم مناداست.

و اگر جمله به گونه‌ای باشد که گویی ما در حال گفتن خبری درباره آن اسم هستیم یا بعد از اسم فعل غایبی ببینیم که به آن اسم برمی‌گردد، پس آن اسم مبتداست.

اسم ابتدای جمله، مناداست یا مبتدا و دلیل و راه شناخت آن:

منادا	دلیل	مبتدا	دلیل
رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا.	مخاطب بودن فعل امر	رَبَّنَا يَغْفِرُ لَنَا ذُنُوبَنَا.	غایب بودن فعل
لا تَرِدْ رَبِّيَ عِنْدَكَ الضَّعِيفَ لَمَّا أَنَادِيكَ. عَبْدَ اللَّهِ لَا تَتَكَاثَلُ	مخاطب بودن فعل نهی	طَالِبَةٌ لَمْ تَتَكَاسَلْ فَقَدْ نَجَحْتَ فِي الامتحان.	غایب بودن فعل و داشتن تنوین
فَاطِمَةُ عَلَيْكَ أَنْ تَخَافِي مِنَ الْمَشَاكِلِ.	وجود ضمیر مخاطب «كُنْ»	كثِيرٌ مِنَ النَّاسِ يَضِيعُونَ أَوْقَاتِهِمْ.	وجود ضمیر غایب و داشتن تنوین
إِلَهِي أَرْسَلْتُ بِالْتَّعْلِيمِ.	فعل متکلم - مجهول	حَافِظُ الْقُرْآنِ رَجُلٌ عَادِلٌ	اسم نیست اصلاً بلکه حافظ فعل است
مَرِيَمُ هَلْ تَذْهَبِينَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟	وجود کلمه پرسش	مَسَلِمَاتٌ مَحْبُوبَاتٌ عِنْدَ النَّاسِ.	حذف اسم خلل در معنا ایجاد می‌شود.
قُلْتُ لِمَ تَبْكِي وَوَلَدِي	وجود کلمه پرسش+ متکلم و مخاطب بودن فعل	مَرِيَمُ قَالَتْ: اسْتَذْكِرِي ذِكْرِي أَيَّامَ الشَّبابِ.	فعل غایب مربوط به اسم ابتدای جمله
رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مَنَادِيًّا لِلْإِيمَانِ. رَبَّنَا إِنِّي أَسْتَغْفِرُ لِدُنُوبِي الْكَثِيرَةِ.	وجود إن بعد از اسم- فعل و ضمیر متکلم	رَبِّي فِي كُلِّ حَالٍ يَدْرِكُنِي وَ يَعْلَمُ مَا أُرِيدُ.	فعل غایب مربوط به اسم ابتدای جمله
رَبِّ لَيْتَنِي كُنْتُ إِنْسَانًا مَجْهُزًا بِجَنَاحَيْنِ الْعِلْمِ وَالدِّينِ.	وجود لیت بعد از اسم	رَبَّنَا عَلَّامُ الْغُيُوبِ وَ يَعْلَمُ مَا فِي صُدُورِنَا.	جمله خبری بعد از اسم و فعل غایب مربوط به اسم
يَا أَيُّهَا الطَّالِبُ ابْتَعِدْ عَنِ الْبَاطِلِ.	نشانه های ندا یا، أَيُّهَا	الطَّالِبُ ابْتَعِدْ عَنِ الْبَاطِلِ.	اسم دارای ال
مُسْلِمِي (مُسْلِمِينَ) الْعَالَمِ اتَّحَدُوا. وَلَدِي (وَلَدِينَ+ي) إِسْأَلَانِي عَمَّا لَا تَعْلَمَانِ.	نشانه: اعراب نصب ضمنا نون مثنی و جمع، در حالت مضاف حذف میشود.	مُسْلِمُو الْعَالَمِ اتَّحَدُوا.	نشانه: اعراب رفع و فعل غایب
قَوْمِ، لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ! رَبِّ، لِاتْرَضْ أَنْ يَسْرِبَ الْيَأْسَ إِلَيَّ نَفْسِي!	گاهی منادای مضاف به ضمیر یای متکلم، ضمیر حذف شده و آخر آن کسره دیده می‌شود.	قَوْمِي لَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ!	غایب بودن فعل